

# حافظه و صله پینه ما

درنگی به شلوارهای وصله دار اثر رسول پرویزی



در قیاس با ادبیات کهن غرب، این شاید نشان از ضعف ادبیات ماست که متون به جای مانده از قرون گذشته، عموماً قصه اعیان و سلاطین است. کمتر اثر ادبی یا تاریخی مثل دن کیشوت یا افسانه های کانتربری و ... را می توان جست که به ساعتی هم کلامی و هم نشینی با رعیت پیشگان گذشته باشد. صفحه سه را بخوانید

سرمقاله

## ملی شدن صنعت آب



محسن عباسپور

منتقد اجتماعی

آنچه اکنون در ماجرای آب گریبان جامعه ایرانی را گرفته، ریشه در گذار از «نقش اجتماعی میراب» به «نقش دولتی کارشناس آب» و گذار از «سازهی اجتماعی-تاریخی قنات» به «سازهی دولتی-مهندسی سد» دارد.

روند رشد (و نه توسعه‌ای) که ایران به ویژه از دوران پهلوی اول آغاز کرد، سبب ایجاد دگرگونی‌های عظیم اجتماعی شد. با قریه شدن نهاد حاکمیت در ایران و استیلای هر چه بیشتر این نهاد بر بیکری اجتماع، نهادهای سنتی موجود در بطن جامعه، بسیاری از کارکردهای خود را از دست دادند و با هزاران امید و آرزو این میراث‌های تاریخی خود را در قالب‌ها و اشکالی جدید به دولت سپردند. آموزش، تنظیم تعداد موالید، پرورش، درمان، حل مناقشه‌ها، روابط تجاری، ایجاد اشتغال، کنترل اراضی، کنترل استحصال و توزیع منابع (به ویژه آب) و... از جمله کارکردها و نظم‌های اجتماعی بودند که فرزند نوپای عصر جدید - یعنی دولت‌ساز دست‌نهادهای سنتی بیرون کشید و با کوبیدن مهر پایان بر بسیاری از این نهادها، ساز و کاری جدید و دگرگون شده‌ای را در عرصه مدیریت هر کدام از این کارکردها و نظم‌ها دنبال نمود.

به اقتضای محور این یادداشت، به بررسی مختصر آنچه که «گذار از اجتماع به دولت» در مقوله‌ی آب رخ داد، می‌پردازیم. فلات ایران طی قرن‌های متمادی با مسئله‌ی کم‌آبی مواجه بوده‌است و ساکنین آن برای حل این مسئله، شبکه‌های گسترده‌ی نقش‌های اجتماعی همچون میراب‌ها، سقاها و... را پدید آورده و به سازهای اجتماع محوری همچون قنات و کاریز دست یافته بودند و طبیعتاً روابط اجتماعی براساس کارکرد آنها تنظیم می‌شد. با این وجود «مسئله‌ی آب» از زمانی تبدیل به «بحران آب» شد که دولت با تکیه بر تفکرهای پوزیتیویستی، اختیار حل مسئله آب را از دست جامعه بیرون آورد و با تعریف نقش‌ها و ایجاد سازهای جدیدی که محصول همان تفکر پوزیتیویستی بودند، شروع به استحصال افسار گسیخته‌ی آب نمود.

در این میان دو فرآیند عمده بیش از هر چیز بر پیکره مدیریت آب در گستره جغرافیایی ایران ضربه زد. یکی نرم‌افزاری (در قالب نقش‌های اجتماعی آب) و دیگری سخت‌افزاری (در قالب سازهای کنترلی آب).

ادامه در صفحه دو



آوای هامون؛ نشریه تحلیلی جامعه مدنی جنوب ایران

سه شنبه ۹ آبان ماه ۱۳۹۶ | ۱۱ صفر ۱۴۳۹

۳۱ اکتبر ۲۰۱۷ | ۲ صفحه | هزار تومان | سال سوم

شماره ۲۷

پرونده اختصاصی آوای هامون دریای بحران آب و خشکیدگی سرزمینی در جنوب ایران

# ملی شدن صنعت آب

همین صفحه را بخوانید

## مرثیه‌ای بر خاموشی تدریجی رودخانه‌های خوزستان



پرویز باورصاد

دکتری حمل و نقل دریایی

استان خوزستان در بین کلیه استانهای موجود کشور از بسیاری زمینه های اقتصادی، سیاسی، جغرافیایی، منابع طبیعی، صنعتی، کشاورزی، تاریخی، فرهنگی و اجتماعی دارای ویژگیهای زیست محیطی طبیعی، انسانی اجتماعی، و فرهنگی منحصر بفردی است! به طوری که امروزه مهمترین استان مولد کشور در تولید ناخالص ملی محسوب و از چهار بخش اقتصادی کشور در سه بخش نفت و گاز، صنعت، و کشاورزی همیشه دارای مقام اول و دوم استانی، و در بخش خدمات هم معمولاً چهارم می باشد. این اهمیت از دیرباز و بقول سیاسیون و سیاحان غربی به دلیل تجمع چند عامل مهم تولید یعنی: ۱. بزرگترین جلگه حاصلخیز کشور، ۲. رودخانه متعدد و تمام فصل پرآب با پراکندگی مناسب و متصل بهم و قابل کشتیرانی محلی و بین المللی ۳. آفتاب و رطوبت خوب مولد محصولات کشاورزی و ۴. غنا و تنوع فرهنگی/اجتماعی عمیق مردم به لحاظ قرار گرفتن در انتهای منطقه تمدن ساز جهانی بین النهرین است! که مردم را در کار و کسب و صنعت و زندگی مسالمت آمیز در کنار هم و تا قبل از شروع و رشد استعمار از اواخر قرن ۱۸ در منطقه بوده است.

حضور استعمار در همه جهان و از جمله در جنوب ایران و خوزستان غنی با توصیف غربی فوق! صرفاً برای بهره برداری و انتقال منابع طبیعی و تولیدی و ثروت اندوزی بوده که با برنامه ریزی دقیق علمی سیاسی اقتصادی اجتماعی فرهنگی نظامی جامع و کارآمد همراه و بطور موفق و تدریج در همه جا و در خوزستان در سایه تضعیف و اجیر کردن حاکمان خرد و کلان و در غالب تجارت و تولید اجرا گردید. اولین آثار بجا مانده از غارت استعماری با کمک ابادی محلی و ملی استفاده از منابع طبیعی وقت قرن ۱۸، در زمینه محیط زیست منطقه را می توان در تاثیر ترانیک کشتیهای اتبوه بخاری چوب سوز بیش از ۱۰۰ سال در منطقه خلیج فارس و رودخانه کارون، دز، جراحی و زهره و کرخه که برای مردم وقت تهیه و گردآوری سوخت کشتی ها شغل نان آب داری بوده! و به تدریج محیط زیست بسیاری غنی جنگلی بومی را لخت و تضعیف و تا شروع نفتی شدن چاه شماره ۱ مسجدسلیمان در اواخر قرن ۱۹ میلادی که موضوع تاثیر قاطع حیات گونه های گیاهی خوزستان و منطقه را برای فعالیت مته های حفاری وقت را تشدید نمود به طوری که وقتی منطقه مواجه با کمبود اشجار (کنار و بلوط و ...) گردید!

ادامه در صفحه چهار

## جنبش مبارزه با بی آبی



علی محمد صمیمی

عضو هیئت رییسه انجمن ملی خرمای ایران

موضوع آب که منشا حیات است، خوشبختانه در این ایام مورد توجه قرار گرفته است.

مقدار مصارفی که جامعه از آب می نماید؛ از شرب، صنعتی و کشاورزی تعیین می کند که ما با این عامل حیات چگونه رفتار کنیم. شاید در قسمت شرب و خانگی از بازچرخانی آب بتوان به صرفه جویی که همان بهینه مصرف کردن است، رسید. در موارد صنعتی با بهره گیری از سیستم های بهره ورتز باید استفاده نمود.

صحت اصلی من در زمینه مصرف کشاورزی است که بیشترین مصرف و هدر- رفت در این حوزه اتفاق می افتد. علاوه بر سیستم های نوین آبیاری در جلوگیری از هدر- رفت آب باید از نوع کشت و محیط کشت نیز برای بهره مندی بیشتر از آب موجود و در دسترس بهره گرفت.

علیرغم وضوح وعیان بودن مشکلات روشهای سنتی آبیاری، متأسفانه کشاورزان ما عمده سنتی کار هستند. این موضوع نشان‌دهنده عدم پذیرش کمبود آب و مقاومت در برابر به کارگیری روشهای جدید آبیاری است.

نظر شخصی من در وهله اول کار با مصرف کننده کشاورزی می باشد، چرا که وقتی کاربر آب به درک درستی از وضعیت آب رسید خود بهترین درمانگر مشکل خواهد بود، پس با آموزش و فرهنگ سازی این خیل عظیم نیرو را باید به جنگ بی آبی کشید.

در فرهنگ دینی و بومی ما به طور گسترده ای در مورد صرف درست و بهینه نعمات خداوند گفته شده است؛ این مدخل می تواند در روستاهای ما محلی شود برای جنبش مبارزه با بی آبی؛ بنظر من حتی در فرهنگ عاشورایی ما زمینه های مساعدی جهت مبارزه با بی آبی داریم. متأسفانه در این کار بیشتر در مورد ابزار و ماشین آلات کار شده در حالی که عنصر اصلی که کشاورز است به فراموشی سپرده شده است. قبل از هر چیز این نیاز کشاورز باید همراه با خرد و تدبیر تبدیل به یک راهکار گردد. و این بی اعتمادی و شبهه داشتن به مروجین باید رفع شود و این انجام نمی‌گیرد مگر اینکه کشاورز همراه دیگر همکاران به باوری رسد که او خود میله و محرک اصلی است.

## تالاب ها را دریابیم



حسین دلشپ

دکتری محیط زیست

تعریف ارائه شده از تالاب توسط کنوانسیون رامسر شامل: مناطق مردابی، آبگیر، تورباز یا آبی که به طور طبیعی یا مصنوعی، دائم یا موقت دارای آب ساکن یا جاری، شیرین، لب شور یا شور بوده و آن دسته از آب های دریایی است که عمق آب کشتند پایین بیش از ۶ متر نباشد. لذا بر اساس تعریف بالا تالاب ها در برگزیده مناطقی از قبیل: پهنه های گلی- بسترهای علفی دریایی و مناطق ساحلی- پهنه های صخره ای- آب سنگ های مرجانی- مصب ها- رودخانه ها- مانگروهای آب شیرین- سدها- دریاچه ها- باتلاق های جنگلی و مشجر- مرداب ها- دریاچه های شور و...

استان بوشهر دارای ۹۰۳ کیلومتر خط ساحلی که شامل زیستگاه های حساس، خور و مصب های متعدد، مناطق مرجانی در خارک و خارکو و نایبند، زیستگاه جنگل های حرا و سواحل گلی، ماسه ای و صخره ای است. که تمامی این سواحل طبق تعریف کنوانسیون رامسر تالاب محسوب می شوند. تالابهای تحت مدیریت این استان شامل تالاب ساحلی خلیج نایبند، تالاب حله، تالاب ساحلی دیر- نخیلو، تالاب ساحلی خارک (پناهگاه حیات وحش)، تالاب ساحلی خارکو (اثر طبیعی ملی)، تالاب ساحلی مند (منطقه حفاظت شده) می باشند که با توجه به ارزش بالای این مناطق و دارا بودن شاخص های مناسب قابلیت ارتقاء و ثبت در لیست تالاب های کنوانسیون بین المللی رامسر را دارا می باشند.

در چند سال اخیر به دلایل مختلف ازجمله خشکسالی، فعالیت های صنایع بخصوص نفت و گاز و پسابهای حاصل از آنها، ایجاد سد، تخریب و تصرف اراضی جهت فعالیت های کشاورزی و انسانی و احداث جاده تالابها دچار آسیب ها و مشکلاتی شده اند که با استفاده از اطلاعات موجود و مطالعات صورت گرفته و استفاده از روش های مدیریتی نوین می توان جلو بعضی از این آسیب ها را گرفت و یا از شدت آنها کم کرد. همچنین با استفاده از فن آوریهای نوین و پژوهشهای صورت گرفته بعضی از این آسیب ها و مشکلات قابل برطرف شدن می باشند و یا می توان اثرات آنها را به حداقل رساند

ادامه در صفحه دو

## جامعه بدون جمعیت



مصطفی مهرآیین

جامعه شناس

همواره متولد شدن به عنوان یک دختر در برخی فرهنگ ها با جامعه ما به چند دلیل تبدیل به «جامعه ای بدون جمعیت» شده است. ایدئولوژیک شدن فضای فرهنگی کشور و دخالت نظام سیاسی در منازعات فکری - فرهنگی از مهمترین عوامل در شکل دادن به چنین وضعیتی است. بزرگترین آفت برای یک جامعه گرفتار در چند پاره گی فرهنگی دخالت نیروهای سیاسی به طرفداری از یک سوی این چند پاره گی ست. جامعه ما در دوران معاصر به طور همزمان فرهنگ ایرانی، اسلامی و غربی را تجربه کرده است. در این وضعیت درست ترین و کاربردی ترین راهکار برای یک جامعه به رسمیت شناختن این وضعیت و احترام گذاشتن به آن است تا افراد دارای هر یک از این هویت ها بتوانند به آسانی با هویت خویش زندگی کنند. مهمترین وظیفه سیاست در چنین موقعیتی بی طرف ماندن و فراهم آوردن شرایط یکسان برای زندگی تمام الگوهای فرهنگی موجود در جامعه است. متأسفانه در جامعه ما چه در دوران پهلوی و چه پس از انقلاب تلاش نظام سیاسی معطوف به برجسته ساختن یک مورد از این الگوهای فرهنگی و سرکوب دیگر الگوها بوده است. در سال های پس از انقلاب، نظام سیاسی دائماً کوشیده است هویت اسلامی را تقویت نماید و دو هویت ایرانی و غربی را سرکوب کند. نتیجه این سیاست نادرست از بین بردن جمعیت جامعه بوده است. منظور از «جامعه بدون جمعیت»، جامعه ای است که در آن جمعیت اش احساس تعلق به آن جامعه ندارد و خود را در قبال جامعه مسئول نمی داند. نتیجه سیاست های فرهنگی پس از انقلاب از یکسو خلق جمعیت اسلامگرایی است که خود را نه متعلق به جامعه بلکه متعلق به نظام سیاسی می داند و اصولاً جامعه را چیزی جز نظام سیاسی مورد علاقه اش تعریف نمی کند. این بخش از جمعیت جامعه که از میزان اتحاد و نزدیکی بالایی در میان اعضای خود برخوردار است، در سال های اخیر تبدیل به چیزی شبیه به یک فرقه سیاسی- مذهبی شده است. در سوی دیگر ماجرا، بخش عظیمی از جمعیت کشور که از نگاه خود مجموعه رفتارهای سیاسی و فرهنگی نظام سیاسی را نمی پسندد خود را دیگر شهروند جامعه ایران نمی داند و با این جامعه و مسائل آن درگیر نمی شود.

ادامه در صفحه دو

# شناسه‌ها

## متاسفانه قلیان مبدل به نشانه شده!!

### اسماعیل حسام مقدم؛ دبیر انجمن ایرانی مطالعات فرهنگی و ارتباطات استان بوشهر در گفتگو با روزنامه بامدادجنوب

در شناخت هر مساله اجتماعی و فرهنگی با دو وجه روبه رو هستیم: یک وجه ذهنی (سوبژکتیوته) و یک وجه عینی (ابژکتیوته). در باره مساله قلیان به طور خاص و مصرف مواد تخریبی به طور عام هم با هر دو این وجه در میان مصرف کنندگان ش که غالبا جوانان و نوجوانان هستند، مواجهیم:

در ساحت ذهنی، جوانان و نوجوانان با الگوها و سمبل هایی در ذهن شان همراه شده اند که متاسفانه قلیان را مبدل به وسیله ای برای احساس بزرگ پنداری و بلوغ کرده اند، این ذهنیت را مثلا در فیلم ها و سریال ها و داستان های عامیانه می توان دنبال کرد و به آنها هم رسید، به عبارت دیگر این از فرهنگ پذیری جوانان



ادامه از صفحه یک

این بخش از جمعیت یا مهاجرت کرده است و در حال

مهاجرت است و یا سودای مهاجرت دارد. این گروه حتی اگر به لحاظ مکانی به بیرون از کشور مهاجرت نکنند، در درون مرزهای خود کشور برای خود جزیره ای خاص می سازد تا از نگاه خود تا آنجا که می تواند وجود خود را در ایران احساس نکند. در چنین وضعیتی ما با مردمی روبرو هستیم که اگرچه در جامعه ایران زندگی می کنند، خود را شهروند این جامعه نمی دانند: گروهی خود را سرباز نظام سیاسی می دانند و گروه دیگر خود را شهروند سرزمین رویایی ذهنشان. در هر دو حال این جامعه و مسائل و مشکلات آن رها شده باقی می ماند.خطرناک و خشن شدن فضای اجتماع و آنباشته شدن جامعه از خشونت از دیگر عواملی است که جامعه ما را بدون جمعیت ساخته است.

ادامه از صفحه یک

#### ملی شدن صنعت آب

در بعد نرم‌افزاری، نقش‌های اجتماعی همچون میراب، سقا و مانند اینها، نقش‌هایی بودند که لزوماً بایستی پاسخگوی جامعه باشند. میرایی که نمی‌توانست کنترل عادلانه‌ای بر توزیع آب داشته باشد، خود را در مواجه با نظام اجتماعی و کنترل‌هایی با مبدا و منشا اجتماعی می‌دید. اما با بیرون رانده شدن میراب‌ها و سقاها از عرصه‌ی مدیریت آب و نشستن کارشناسان آب به جای آنها، دیگر کسی در قبال کنترل آب نیازی به پاسخ دادن به جامعه احساس نمی‌کرد، چراکه کارشناسان آب به جای پاسخ به مردم، بایستی به دولت‌ها پاسخ می‌دادند. بدین ترتیب مدیریت آب از دست جامعه خارج شد و دولت آن را به تصاحب خود درآورد. برای مقایسه‌ی ظرفیت و میزان پاسخگویی میان میراب‌ها و کارشناس‌های آب می‌توانید به برخوردهای قهرآمیز جامعه با میراب‌های خاخی و جایجایی‌های سازمانی کارشناس‌های آب اعم از ارتقا یا انتقال آنها رجوع کنید. از سوی دیگر در بعد سخت‌افزاری با ورود دولت به عرصه‌ی مدیریت آب، سازه‌هایی همچون قنات‌ها، کاریزها و... که توسط جامعه‌ی ایرانی تأسیس و مدیریت می‌شدند و جامعه‌ی ایرانی، جمعیت و روابط اجتماعی خود را براساس توانمندی طبیعی این سازه‌ها کنترل می‌کرد نیز از رده خارج شدند و به جای آنها سازه‌هایی جدید همچون سد‌ها و لوله‌های بزرگ انتقال آب بین حوزه‌ای و... جانشین شدند. اندیشه‌ی پوزیتیویستی در کنترل منابع آب ایران بیش از همه خود را در قالب این سازه‌های جدید نمایان ساخت. می‌شود و می‌توانیم، اندیشه‌ی غالبی بود که با دلگرمی کاذبی که در میان جامعه‌ی ایرانی برانگیخت، کشور را که به تعبیر رضا علی‌قلی منابع آبی آن، عملاً ظرفیت حداکثر ۸میلیون نفر را داشت، با ۸۰میلیون جمعیت روبرو کرد.

در نتیجه‌ی وقوع این دو فرایند، جامعه اتصال برساخت شده‌ی خود با طبیعت را از دست داد و به نکاح اجباری یا اندیشه‌های پوزیتیویستی دولت درآمد. حاصل این نکاح نامیمون هم فرزند عجیب‌الخلقه و پرمجادله‌ی جامعه‌ی امروز ایران است. جامعه‌ای که در بحرانی‌ترین وضعیت منابع آبی خود در طول تاریخش مواجه است، اما همچنان می‌بلعد. براین اساس به نظر می‌رسد در مواجه با بحران آبی که امروز جامعه‌ی ایرانی با آن مواجه است، یکی از اساسی‌ترین راه‌های پیش‌رو، ملی کردن صنعت آب است؛ البته نه به سبک و سیاق ملی کردن صنعت نفت! صنعت نفت ایران در خوشبینانه‌ترین حالت ممکنش، دولتی شد، نه ملی. این بار اما نیاز است که دولت یا به تجدید نظری اساسی در مدیریت آب بپردازد یا آنکه در فرایندی منطقی و اصولی به مرور پایش را از حوزه‌ی کنترل آب کشور بیرون بگذارد و اجازه دهد نهادهای مردمی برای کنترل آب شکل بگیرند و مردم باز هم در مواجه‌ای سخت و طاقت‌فرسا به سراغ کنترل منابع آب بروند.

ایران تجربه‌ی تلخی را در دولتی شدن صنعت نفت در تاریخ خود دارد. نفتی که قرار بود ملی شود، اکنون بدون کنترل مستقیم ملت اداره می‌شود. با توجه به این عبرت تلخ، می‌توان تا هنوز اندک فرصتی باقی مانده، باز هم به سراغ جامعه رفت و به جای ایفای نقش قیمی که تا می‌تواند منابع را می‌بلعد، عنان کنترل اب را به دست مردم و نهادهای مردم‌نهاد سپرد.

ادامه از صفحه یک

#### تالاب‌ها را دریابیم

با توجه به خشک شدن جنگل های حرای نایبند به دلیل وجود جاده قدیمی که بر روی دهانه خور بساتین احداث گردیده است و مانع از رسیدن آب به صورت کامل به جنگل می شود و همچنین خشک شدن بخشی از تالاب حله که به دلایل مختلف از جمله خشکسالی، احداث سد و روسویگذاری و نرسیدن آب اتفاق افتاده است، با توجه به مطالعات و پژوهشهای صورت گرفته نیاز به لایروبی در این مناطق ضروری می باشد.

با توجه به وضعیت بحرانی جنگلهای پارک ملی دریایی نایبند و همچنین وجود مطالعات پایه ای در این منطقه و عدم وجود این مطالعات و نیاز به مطالعات تکمیلی در منطقه حله و همچنین کمبود زمان بر این اساس لایروبی پارک ملی دریایی نایبند در اولویت قرار گرفت . طرح مطالعات زیست بومی با مشارکت محلی و همچنین طرح نیاز آبی یا حفابه زیست محیطی از طرح های دیگر بود که اجرا شد .

#### هدف اصلی :

استقرار نظام هدفمند مدیریت زیست بومی با بکارگیری مدیریت بهم پیوسته منابع آب و خاک بر اساس مشارکت موثر مردم و مسئولین جهت احیاء، حفاظت و بهره برداری پایدار از تالاب

#### برنامه‌های پیشنهادی احیای تالاب :

ارائه برنامه ها بر اساس هدف کلی "حفاظت از تنوع زیستی و ارزش های اکوسیستمی تالاب و ایجاد تعامل با مشارکت مردمی" به اهداف راهبردی زیر تقسیم‌بندی شد.

مدیریت کاربری اراضی اطراف تالاب

مدیریت کمی و کیفی منابع تامین آب تالاب

آگاهی بخشی جوامع محلی و سازمان های مسوول در ارتباط با ارزش ها و کارکردهای تالاب

حفاظت فیزیکی تالاب

پایش و نظارت بر طرح ها

#### چشم انداز :

در ۲۵ سال آینده تالاب حله تالابی است بین المللی، زیبا با آب کافی و تنوع زیستی غنی و اکوسیستم سالم که کلیه ذینفعان به ویژه جوامع محلی در حفاظت از ان مشارکت فعال داشته و در کنار هم زندگی سالم و پایداری دارند .

یکی از کارهای بسیار با ارزش دیگر معرفی پارک ملی –دریایی دیر نخیلو به کنوانسیون رامسر است .که واقعا از نظر تنوع زیستی و کارکردهای اکولوژیکی بی نظیر است. آن بی نظیر است.

و نوجوانان این استان هست که متاثر از داستانشا و روایتهایی که از گذشته موجود بوده، در ذهن شان چیزی شکل گرفته که آنان را به طور ناخودآگاه به سمت قلیان می کشد و سوق می دهد. به مانند جوانان و نوجوانان برازجانی که به سمت موتورسیکلت سوق می یابند.

در ساحت عینی ماجرا، در اغلب خانه ها و مراکز تجمعی جوانان و نوجوانان دسترسی به قلیان به شدت ساده و در عیان است. جوانان و نوجوانانی که نهادهای اجتماعی مانند مدرسه، مسجد، بازار، دولت، صنعت، تشکلهای غیردولتی و... توانایی سرگرم کردن آنها و پر کردن اوقات خالی آنان را ندارند، بی شک این جوانان و نوجوانان به سمت وسایل و ابزارهای ارزان قیمت فراغتی هدایت می شوند. بی شک در شهرهایی که جوانان و نوجوانان در برنامه های شغلی و فراغتی نهادهای اجتماعی، فرآیند اجتماع پذیری را پشت سر بگذارند، به سمت استعمال این موارد نخواهند رفت.

لذا در جمع بندی می توانم بگویم که یک برنامه کوتاه مدت ازطرف نهادهای اجتماعی می تواند شکل بگیرد که اوقات فراغت و بیکاری نوجوانان و جوانان استان را پر کند، و در یک برنامه ریزی میان مدت و بلندمدت در ساختارهای فرهنگی باید تغییراتی در فرآیند فرهنگ پذیری جوانان و نوجوانان رخ دهد تا در ذهن شان، ابزارهایی مانند قلیان بی اهمیت شود.

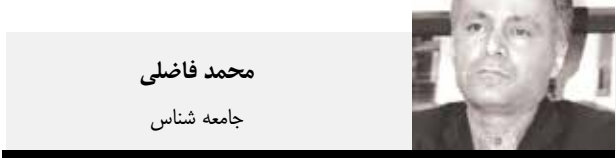
در یک جامعه ناپود شده حتی نمی توان از خود مراقبت کرد.

تنگنای زندگی و کمبود منابع از دیگر عواملی است که باعث شده جامعه ما به جامعه ای بدون جمعیت تبدیل شود. تصور کنید جامعه ما همانند ایالت آلاسکای آمریکاست که دمای هوا در آن گاهی به هشتاد درجه زیر صفر می رسد. در چنین شرایط جغرافیایی، وجود خورشید و گرم شدن هوا و ذوب شدن یخ ها و ذرا رسیدن بهار موهبتی است بسیار اندک که اگر بخواهی زنده بمانی باید قدر آن را بدانی و از این زمان محدود بهاری دارای خورشید بالاترین استفاده را ببری. اگر جامعه ای دچار چنین شرایطی شود، یعنی تبدیل به جامعه یخ زده آلاسکایی گردد، طبعاً حیات وحش و تنازع بقا را در خود تقویت می کند. جامعه ما اکنون بدلیل مشکلات اقتصادی آن دارای چنین شرایطی است: یخ زده و سرد. طبعاً در چنین شرایطی هر فرد با یافتن حداقلی از گرمای خورشید تنها به غارت این گرما فکر می کند و دیگر نمی تواند به جامعه فکر کند و خود را شهروند جامعه بداند و در قبال آن احساس مسئولیت کند. به زبان روستو، نظریه پرداز قدیمی توسعه، کمبود منابع باعث می شود افراد چنین فکر کنند که اولین فرصت دستیابی به منابع، آخرین فرصت آنهاست و تا می توانند باید به غارت منابع در این فرصت بپردازند.

تقدیرگرایی و توسل به آسمان نیز در بی جمعیت کردن جامعه ما موثر است. روبرت وستو معتقد بود یکی از دوگانه های موجود در هسته هر نظم فرهنگی، دوگانه امور اجتناب ناپذیر در مقابل امور اجتناب پذیر است. به عبارت دیگر، در کانون هر نظم فرهنگی می توان شاهد این منازعه بود که به چه میزان باید مسائل را در اختیار انسان و توان عقلانیت و محاسبه گری انسان دانست و از آن ها اجتناب کرد یا آن ها را پذیرفت و به چه میزان باید مسائل راخارج از اختیار اراده و عقلانیت انسان دانست و آن را به آسمان یا هسته زمین نسبت داد. بخش زیادی از جمعیت جامعه ما، بواسطه باورهای دینی خود، راه حل مسائل و مشکلاتش را نه در جامعه، بلکه در آسمان جستجو می کند. این بخش از جمعیت جامعه خود را نه شهروند که عبد و بنده خدا می داند و مسائل خود را نه به محضر جامعه، بلکه به درگاه الهی می برد و کار خود را در آنجا رتق و فتق می کند.

بی شک، دامنه عوامل موثر بر بی جمعیت شدن جامعه ما فراخ تر از عواملی است که در بالا از آنها سخن گفتیم. عوامل دیگری چون مرگ سیاست و فضای عمومی که قلمرو پیوند خوردن جمعیت جامعه با همدیگر و با جامعه است، مرگ ادبیات و هنر که باز جایگاهی مهم در پیوند خوردن جمعیت جامعه با جامعه و با همدیگر است، جذاب نبودن شکل زندگی اجتماعی جامعه ما، ناپود شدن فرآیند جامعه پذیری و تربیت که اصولاً مهمترین سازوکار جامعه برای بردن خود در درون افراد جامعه است، ویران بودن نظام آموزشی جامعه ما، فقدان انقلاب ها و موفقیت های بزرگ علمی و هنری که می توانند حس مسئولیت و تعلق به جامعه را در افراد جامعه تقویت نمایند، و..... را نیز می توان به دامنه عوامل موثر بر بی جمعیت شدن جامعه ما افزود. مجموعه این عوامل جامعه ما را تبدیل به یک جامعه بی پناه ساخته است که همه ما می توانیم در آن تبدیل به قربانیانی مظلوم شویم. جامعه بدون جمعیت جامعه بدون احساس و اخلاق است. جامعه بدون جمعیت یعنی جامعه ای که در آن افراد جامعه فاقد هر گونه احساس مسئولیت در قبال مسائل جامعه و مشکلات هموعان خود می باشند. در چنین جامعه ای افراد احساس می کنند تنها و بیچاره اند.به زبان لویناس، اخلاقی زیستن یک جامعه چیزی جز کاستن از تعداد بیچاره گان و برخورد مسئولانه در مقابل بیچاره گان موجود در آن جامعه نیست. جامعه فاقد جمعیت از افراد خود بیچاره می سازد اما در مقابل آن ها احساس مسئولیت نمی کند. در چنین حالتی زندگی بوی مرگ و خشونت می دهد: در این نوع جامعه جمعیت سوگواران بسیار است.

## تحلیلی چندسطحی از مسؤلیت اجتماعی صنعت نفت در ایران



محمد فاضلی

جامعه شناس

این مقاله برای سومین کنفرانس مسوولیت اجتماعی شرکتها در صنعت نفت به تاریخ ۲۸ تیرماه ۹۶ ارائه شده است.

مسئولیت اجتماعی شرکت بر ایده فراتر رفتن از الزامات قانونی فعالیت کسب وکارها و رسیدن به تأثیرگذاری مثبت بر محیط و ذینفعان از جمله مشتریان، مردم اجتماعات میزبان کسب وکار، کارکنان و همه آن‌ها که تحت تأثیر فعالیت شرکت قرار می‌گیرند بنا شده است.
مسئولیت اجتماعی شرکت ناظر بر اصول اخلاقی‌ای است که شرکت بر اساس آن‌ها در قبال رفتارها و اقداماتی که بر جامعه و محیط تأثیر می‌گذارد، مسئول است .
هدف نهایی، تولید کالایی است متمایز از کالا و خدمات تخصصی شرکت؛ که می‌توان آن را کالای اجتماعی نامید.
کالای اجتماعی مفهوم محوری رویکرد نظری ما به مسوولیت اجتماعی شرکت است و ایده‌ها را بر همین مبنا بنا کرده ایم.
سطح اول.
مسئولیت اجتماعی شرکت در سطح کلان و ملی
سطح دوم.
کمک به توسعه و بهبود حکمرانی در اجتماعات محلی
سطح سوم.
کمک به زدودن خشن‌ترین صورت‌های بی‌عدالتی
سطح چهارم.
مشارکت چندسازمانی در ایفای مسئولیت اجتماعی پیشنهاد.

اگر الگوی چهارسطحی ارائه شده مقبول باشد، آن‌گاه وزارت نفت می‌تواند نسبت به تشکیل یا حمایت از یک بنیاد، بخش پژوهشی-اجرایی، یا هر ساختار سازمانی دیگری در ساختار این وزارتخانه اقدام کند که وظیفه خواهد داشت ملزومات اجرایی شدن الگوی مذکور را بررسی و برای تحقق آن‌ها برنامه ریزی کند؛ اما تحقق اهداف مسئولیت اجتماعی در هر حال مستلزم تدوین چارچوبی مفهومی از نسبت مسئولیت اجتماعی با بستر اجتماعی، اقتصادی و سیاسی ایران است و تصور می‌کنم آن‌چه تشریح شد می‌تواند راهگشای تأمل بیشتر در این عرصه باشد هر چارچوبی برای توسعه مسئولیت اجتماعی شرکت در ایران باید تفاوت‌های میان ساختار اجتماعی، سیاسی و فرهنگی جامعه ایران و کشورهای پیشگام در مسئولیت اجتماعی شرکت را لحاظ کرده و طرح مفهومی دقیقی داشته باشد که تبیین‌کننده رویکرد به این مقوله در کشور باشد.

### استفاده از ظرفیت های تخصصی زنان به عنوان فرماندار

**مهديه امیری؛ دبیر جمعیت زنان مسلمان نواندیش استان بوشهر در گفتگو با روزنامه بامدادجنوب:**

مهديه امیری؛ دبیر جمعیت زنان مسلمان نواندیش استان بوشهر در گفتگو با بامداد جنوب در خصوص اصولی که باید مورد نظر فرمانداران این استان باشد گفت: به زعم من مهمترین اصولی که باید مورد توجه قرار گیرد به شرح زیر می باشد:

اول توجه به معیارهای توسعه پایدار در انتخاب فرماندار: به عبارت دیگر گزینه هایی برای فرمانداری شهرستانهای استان بوشهر انتخاب گردند که توانایی و تخصص لازم برای مدیریت مبتنی بر توسعه پایدار و متوازن شهرستان را دارا باشد در غیر اینصورت وضعیت به همین روال ناقص ادامه می یابد.

# حافظه وصله پینه ما

درنگی به شلوارهای وصله دار اثر رسول پرویزی

بدانند که تنها قصه شاه گون رمنو و ژولیت نیست که شنیدنی است. قصه آژانی با هزار کیا بیای ازدست رفته که حالا از پیری و فرتوتی مضحکه دست جاهلان دروازه سعدی شیراز شده و به خیلش با پوشیدن یونفرم آژانی می تواند الواط را از گذشته برهیمته اش بترساند. یا عارفی که در گمنامی و دور از هیاهوی شهر «به درویشی و خرسندی» جان میدهد. قصه هایی که هنوز اگر رکاب دهد و هجوم اسباب سرگرمی انفرادی، مجالی برای شب نشینی بگذارد از ساکنان لای نخل ها و کپڑها شاید بتوان شنید.

این قصه ها، گاه آنقدر میان گذشتگان شهره بوده اند که تقریبا می توان درباره واقعیت آن به یقین رسید. قصه شیرمحمد که از رسم ظلم ستیزی مردمان جنوب حکایت دارد، به احتمال نزدیک به یقین باید رخدادی واقعی بوده باشد. چراکه صادق چوبک هم که نویسنده ای از همان جغرافیا بوده، از آن روایت «تنگسیر» را ساخته است. کم نبوده اند یاغیانی از این دست که در خطه جنوب زیسته اند مثل عبدوی جط یا علی سمیل که در اشعار منوچهر آتشى، شاعر جنوب، نیز نقش آفریده اند. این قهرمانان را اگر پرویزی و چوبک و آتشى به تاریخ ادبیات نکشانده بودند شاید به مانند صدها آدم دیده نشدنی – که به قول پرویزی بیوگرافی شان را توی چهار خط می شود نوشت – از یاد می رفتند و آیندگان حتی نامی از آنها هم نمی شنیدند.

همانگونه که پیشتر رفت، شلوارهای وصله دار یا لولی سرمست پرویزی از نگاه المان های داستانی آنچنان حائز اهمیت نیست. چراکه نه می توان نقطه اوجی در داستان ها یافت و نه درو نمایه های عمیق و پرمایه. نه شخصیت های داستان قرار است نقشه ای پویا و دینامیک را بیافرینند و نه از حیث صناعات ادبی آراستگی برجسته ای دارد. اما آنچه ارزش این قبیل آثار را پررنگ می کند، حفظ گنجینه ای

بگردد و شناخت نامه بزرگان و قصه جنون همه چیز خواهی شان به تصویر کشیده شود. اینجا دیگر سخن از مردم کوچه و بازار در میان است. شلوارهای وصله دار پرویزی هم مثل آسمانریسمان جمالزاده و گیله مرد علوی، دارد از میان پس کوچه های شهر، قهرمان هایش را برمی گزیند، با آنها میزید و از آنها روایت می کند. سوژه پرویزی، گپوگفت آدم های کوچه آشتی کنان در دهات های دور افتاده است؛ روایت هایی ناشی از هم صحبتی و هم قلبان شدن با رعایای آفتاب سوخته در میان نخلستان های جنوب، آدم هایی بی شیله پيله که در گمنامی آمده اند، زیسته اند و چندی بعد از زندگی رفته اند و از یادها هم.

در قیاس با ادبیات کهن غرب، این شاید نشان از ضعف ادبیات ماست که متون به جای مانده از قرون گذشته، عموما قصه اعیان و سلاطین است. کمتر اثر ادبی یا تاریخی مثل دن کیشوت یا افسانه های کانتربری و ... را می توان جست که به ساعتی هم کلامی و هم نشینی با رعیت پیشگان گذشته باشد. گویی نویسنده یا شاعر کلاسیک ایرانی کسرشانش می آمده که به ثبت زندگی مردم غیر فاخر بپردازد.

از این رو شلوارهای وصله دار را می توان اثری ارزشمند، نه از منظر ویژگی های داستانی، بلکه متنی برای حافظه تاریخی مردمان خواند. حُسن این متن در آن است که تاریخ مردم بی جنتال و آیین و رویدادهایی را به نثر کشیده که زمانی مردم با آن زیسته اند و حالا به آهستگی از رفتار اجتماعی شان کنار رفته و به دست فراموشی سپرده شده اند؛ پنداری که برای آیندگان هرگز وجود نداشته اند. شلوارهای وصله دار قصه درگوشی های عاشقانه نویسنده ایست که جسارت کرده تا از تجربه اولین عشق و دعوای خود با هم مشربان، بر سر دختر همسایه بگوید تا همگان



علی آتشی

منتقد فرهنگی

«باز خدا پدرم را بیامرزد که یک مشت کاغذ برای عطار محل فراهم کردم تا زردجوبه در آن بریزد و به پدر مولف، فاتحه مجانی بخواند.» این میزان فروتنی در مقدمه مجموعه داستان های «شلوارهای وصله دار»، از سادگی و صمیمیت نویسنده اش حکایت می کند. نه رسول پرویزی و نه پیشینیان او در این سبک نگارش مثل جمالزاده یا بزرگ علوی هیچکدام مدعی داستان نگاری با همه مختصات و عناصر داستانی نبوده اند. سلسله ی ساده نگاران که از ابتدای قرن مدرن علیه نثر متکلف و فنی، رستاخیز ادبی به راه انداختند، نه در تکنیک نگارش و نه در محتوای داستانی، در بند اصول دست و پاگیر گذشتگان نمانده اند و در صورت و معنا از گزاف گویی و پرنویسی دست شستند. با توسعه مدارس و رشد میزان باسوادان و نیز گسترش رسانه های نوشتاری به تدریج خواندن و نوشتن از انحصار نخبگان جامعه خارج شد و نویسندگان نیز رفته رفته نیاز جامعه را به نوشتن به زبان روزمره مردم احساس کردند. این بود که نهضت ساده نویسی به عنوان یکی از پیامدهای عصر مدرن شکل گرفت.

در این سبک نگارش دیگر قرار نیست از فراز و فرود آدم های متورم و شناخته شده جامعه روایت شود یا قطعه ای حماسی از جنگجویان و ژنرال های دانه درشت تاریخ و قصه فتح الفتوح شان سروده شود. بنا نیست لنز نگاه نویسندگان در دالان های عمارت ها میان سلاح پوشیدگان

# آنیمیسیم (animism)

## در آثار «احمد محمود»



رحیم رستمی

منتقدادبی

سرآغاز رمان داستان یک شهر، گزارش یک سقوط است از زبان راوی رنجور و زخم خورده ای به نام خالد. در ابتدایی ترین صحنه های این رمان، زبان آنچنان آمیخته به استعاره است که مخاطب را مواجه با یکی از بهترین فصل این رمان می کند. خالد، مبارز پیشین و تبعید شده ی اکنونی، روپروی در غسالخانه ایستاده است تا نظاره گر جسد ورم کرده و پلاسیده ی شخصی به نام علی باشد که تا همین چندی پیش، در جوار او بوده و اکنون در کام دریا فرو رفته است و آخرین حضور علی، همانا دیدن جسد اوست. اما آیا نویسنده ی آگاهی همچون محمود، به سادگی همه چیز را به مخاطب هشیار خویش، هدیه داده است یا راهکاری پیچیده تر انتخاب نموده؟ گویا به نظر می رسد، احمد محمود با ذکاوت تمام، خود را یک تنه به دنبایی از تشبیهات، استعارات و دیگر تکنیک های داستان نویسی سپرده تا لذتی را به مخاطب تقدیم کند که از مرگ، صحنه هایی به غایت فجیع تر دریافت نماید. این

وی دومین مورد را استفاده از ظرفیت های تخصصی زنان به عنوان فرماندار اعلام کرد و افزود: ه عبارت دیگر با توجه به وجود زنان تحصیل کرده و متخصص بومی، انتظار می رود حداقل ۳۰ درصد فرمانداران استان از میان زنان متخصص به امور مدیریت توسعه پایدار انتخاب گردند. آن

مطالبه ای که تا به الان مسکوت مانده است.

دبیر این حزب سیاسی اصلاح طلب سومین اصل در انتخاب فرمانداران استان را ارایه برنامه مدون و مشخص و کاربردی برای اشتغال زایی جوانان و بطور خاص زنان متخصص و سرپرست خانوار عنوان کرد و بیان داشت: با توجه به بیکاری ۱۱ درصدی در استان و احتمال افزایش آن با این روندی که در استان پیش گرفته شده، انتظار می رود افرادی باید به عنوان فرماندار انتخاب شوند که دغدغه و دانش رفع این معضل را داشته باشند

امیری در خصوص عملکرد فرمانداران پیشین استان گفت: درباره عملکرد فرمانداران پیشین نیز شاهد کم توجهی مفرط به مباحث مذکور بوده ایم. رضایت جامعه زنان استان نیز در حوزه های مرتبط با مدیریت فرمانداران در زمینه مباحث زنان و خانواده به طور نسبی برآورده نشده است.

سه شنبه ۹ آبان ۱۳۹۶

۳

تاریخی از آدم های ساده و رویدادهای دیده نشده و آیینه ای بومی از یاد رفته است. به ندرت یک دشتستانی امروزی می داند که در گذشته اشکال مربوط به شغل یا شی مورد علاقه مُردهای را روی سنگ قبرش حک می کرده اند یا به سختی امروزه، نمایش کمدی بازماندگان در مرگ عزیزی را به یاد می آورند. شاید هم جوانان امروز ندانند که پیش از عصر عشق های مجازی، پدران و مادرانشان به رسم دلدادگی یک خط یادگاری پشت عکس های سه در چهار می نوشته اند و در راه مدرسه دزدکی و دور از چشم رهگذران به هم می داده اند.

پی نوشت:

شلوارهای وصله‌دار نام کتابی از داستان های کوتاه ”رسول پرویزی“ است. یکی از داستان‌های معروف این کتاب «قصه عینکم» است. این داستان در کتاب زبان و ادبیات فارسی دوره پیش دانشگاهی گنجانده شده است. دیگر داستان های کتاب:

زار صفر / پالتو حنائیم / شیرمحمد / ابراهیم / زبان کوچک پدرم / گرگملی خان / زنگ انشا / شلوارهای وصله دار / من به دنیا آدمم / ای واویلا / تقویم عوضی / سه یار دبستانی / عوضی نگیرید / مرگ رسول شله / درویش باباکوهی آرام مرد / زرگر مظلوم / بوالفضول / درهفت روز هفته و دوپشته بر الاغ می باشد.

توجه :داستان های این کتاب واقعا خواندنی است و به خوانندگان سبک هدایت و جمالزاده توصیه می شود. داستان اول یعنی زار صفر شباهت بسیاری زیادی به داستان های هدایت دارد. داستان های دیگر این مجموعه در سبک جمالزاده و هدایت شاور است.



خشن را از دهان گروهبان غانم به سرقت می برد، اما در اینجا باد همراه صدای جماعتی است به نام جاشوها، که همواره در خشکی و دریا، گویی در برزخی بی پایان زندگی می کنند.

از بالای چتر سبز به گرد نشسته ی درختان خرما = چتری که اکنون گویا گرد مرگ روی آن خانه کرده است. گر چه برگ درختان سبز است، ولی این سبزی نیست، بلکه یک آبرونی از چتری است که نفسِ خالد را هر لحظه به لحظه شماره می اندازد.

۴) خورشید آنچنان پر زور است که انگار در جهنم را باز کرده اند = خورشید، و درهای دوزخی که اکنون از قضا در جایی به نام غسالخانه باز می شوند. دوزخی که خالد تبعیدی را از آن گریزی نیست.

برق گریزان سر نیزه ها، که گاه چشم را می زند = درخشش اشیایی که اکنون در دیدگان خالد، بسیار زنده است. اشیایی که نمادی از سرکوب است و در این تابلوی نقاشی احمد محمود، زندگی خوفناکی دارد. خوفی که نتیجه اش جز ماتم و اندوه نیست.من کنار سایه ی رمنده ی دیوار غسالخانه ایستاده ام = کوچک ترین سر پناه که سایه ای بیش نیست، در اینجا گریزان است. گویا این سایه، مرهم اندکی است که موقتا روی زخم درون خالد مالیده باشند. اما همین مرهم، التیامی موقت دارد و باز خورشید جهنمی به جسم خسته ی خالد زهر می پاشد.

# رومدا

آوای هامون  
دوهفته نامه اجتماعی- فرهنگی

صاحب امتیاز و مدیر مسئول:

اسماعیل حسام مقدم

سر دبیر:

مهرداد امیری

طراح هنری:

کانون تبلیغاتی هامون نو

چاپ: کارگر تهران

نشانی:

برازجان، خیابان جمهوری اسلامی

کد پستی: ۷۵۶۱۷۳۵۱۶۵

شماره تماس: ۰۹۹۰۴۵۰۱۴۶۲

آدرس الکترونیک:

hamooniran91@gmail.com

آدرس سایت:

www.hamooniran.ir

## آب؛ ضرورت ها و چالش های فرارو در بخش کشاورزی

آب در اغلب کشورهاست نقش اساسی در امنیت غذایی دارند (خیری و همکاران، ۲۰۱۰). همچنین بیشتر محققین با اطمینان به جدی بودن مساله کم آبی (ری و همکاران، ۲۰۰۷؛ نانور و همکاران، ۲۰۰۸؛ وانگ و همکاران، ۲۰۰۹؛ گیگر و ژین جین، ۲۰۰۹) به بحث مدیریت آب پرداختند. از اینرو مدیریت آب برای قرن ۲۱ خیلی مهم خواهد بود (تارنی وردی، ۲۰۰۵).

نگاه اجمالی به تجربه های سالهای اخیر نشان میدهد که از عوامل محدودکننده منابع آبی در ایران، دیدگاه مدیریتی با هدف تامین و تخصیص آب در هر شرایط بوده است. برای سالیان پی در پی برنامه ریزان منابع آب ضمن ساده نگری به مسائل مرتبط با تقاضای آب، بر این عقیده بوده اند که مشکل ها و مسائل عمده بخش آب، از جمله کم آبی، در رابطه با عرضه آن میباشد. افزایش مصرف آب در طول زمان متأثر از افزایش جمعیت، بالا رفتن سطح بهداشت عمومی، رشد فعالیت های کشاورزی و توسعه اقتصادی و اجتماعی، لزوم نگرش به سوی تقاضا برای آب در مقیاسهای جهانی، منطقه ای و در مقیاس ملی را امری اجتناب ناپذیر کرده است. از طرفی فرآیند عرضه آب به علت مرتبط بودن با قوانین هیدرولوژیکی و اصول مهندسی نسبت به مسائل تقاضا برای آب که به متغیرهای زیادی وابسته بوده و مرتبط با نیازها و رفتارهای انسانی در زمان و مکان می باشد. (شفقتی و همکاران، ۱۳۸۸) متفاوت است. از طرفی، دیدگاه مدیریتی تقاضا محور تخصیص آب را برای سه بخش مصرف کننده شرب، کشاورزی و صنعت در نظر میگیرد. شوربختانه در برنامه ریزی ها، محیط زیست به عنوان یکی از چهار مصرف کننده اصلی آب مورد توجه نبوده و در عمل حقیقه زیست محیطی در نظر گرفته نمیشود و خسارهای جبران ناپذیر ناشی از تخریب محیط زیست در اولویت قرار ندارد (خلیلی، ۱۳۹۵).

برداشت غیر متعارف از منابع آبهایی زیرزمینی از مشکل های اساسی می باشد که بیش از مقدار تغذیه سالانه است. آمار رسمی از وجود بیش از هفتصد و سه هزار حلقه چاه در کشور تا سال ۱۳۹۰ حکایت میکند که از این تعداد بیش از یکصد و سی هزار حلقه چاه غیر مجاز بوده که در حال برداشت بیش از پنج میلیارد مترمکعب آب هستند.

خوزستان با اقلیم خاص گرم و رطوبتی جلگه ای آن وارد گردید!

برای خوزستان به عنوان قطب تولید برق-آبی کشور ده ها سد بزرگ در دامنه های کم ارتفاع شمال آن طراحی که ضمن داشتن محسنتات عدید برای کشور دارای ده ها عارضه پنهان و آشکار زیست محیطی تدریجی و درازمدت برای خوزستان هم در جریان اجرای سدسازی ها و هم بعد از عملیات برداری از آنها با توجه به ساختار دولتی آمرانه مدیریتی حاکم بر جامعه بود! مثلا هر سد به عنوان انبار عظیم و وسیع ذخیره آب اجبار ده ها و صدها روستا را در سکوت دولتی و اجتماعی عمومی جامعه به زیر آب فرو می برد، و مردم بیچاره آواره و حتی سرکوب می شدند، تاثیرات اجتماعی زیادی را برجای گذاشته است!

همچنین خوزستان و کناره های رودخانه مهد تمدن باستانی قطعی چند هزار ساله با آثار بدیهی بوده که به جز کوشهای باستان شناسی سطحی حواصل! تقریبا بکر مانده ولی عمده آنها که در دامنه کوه های حاشیه سدهای عظیم ساخته شده

محو و به زیر آب دفن گردیدند!  
سد ها و بهرزا آنها پروژه های متعدد انتقال آب سرشاخه ها به استانهای کویر، اصالتا به عنوان مانع جریان طبیعی آب عمل می کنند! و جریان طبیعی رودها دارای اثرات منفی بر ویژگی های اساسی حیات و محیط زیست آن در کوتاه و درازمدت است.

کاهش شدید جریان آب رودخانه ها در طول آبیگری حداقل یکی دو ساله! در طول آن باعث رسوب کوتاه و درازمدت محمولات موجود در آنها برای همیشه در رودخانه می شود! یعنی عمق آب به تدریج کاهش و جزایر از درون آب سر بر آورده که ساخت بیش از شش سد بزرگ از سال ۱۳۴۶ شمسی بر روی کارون بزرگ (کارون و دز) باعث ایجاد ده ها جزیره مثلا در قلب شهر اهواز شده که حاکی از تهدیدی بسیار بسیار قوی برای ایجاد سیل و خراب قطعی برای مناطق زیر دست سدها در موقع بارندگی های شدید و طولانی و بعد پر و سر ریز شدن آنها می شود! زیرا جزیره ها از حجم مجرای رودخانه به شدت می کاهند، و لذا توان کشش حجم آب موقتی آنها کم و سیل به درون شهرها و سواحل دور و نزدیک و ویرانی می شود.

از طرف دیگر، ایجاد این تعداد سدها و ظرفیت ذخیره آب آنها متناسب با میزان بارندگی منطقه و حوزه آبی زاگرس جنوبی که کلا به وسیله پنج رودخانه از دشت خوزستان و دشتستان و ... وارد کارون و اروند رود و خلیج فارس می شود، نیست! زیرا کلا حقیقه های متنوع اجتماعی شهر و روستایی، کشاورزی، صنعتی، محیط زیستی نظیر تالابها و

حسین آهنی  
دکتری مهندسی آب

آب کانون اصلی در مدیریت منابع جهانی و ملی بوده و تلاش های مستمر بین المللی برای تحقیقات موثر در زمینه کمبود آب و تشدید آلودگی منابع آب در جریان می باشد. کل منابع آبی جهان ۴۱۰ کیلومتر مکعب است که فقط ۳/۱ درصد آن آب متعارف است (یو اس جی اس، ۲۰۰۶). آبیاری بالاترین اشتغال را در سطح جهان ایجاد کرده ، در حالیکه از نظر اقتصادی – اجتماعی نسبت به صنعت دارای کمترین برگشت سرمایه (راندمان) است (پری، ۲۰۰۵). در حال حاضر تقریبا ۶۰ درصد آب شیرین جهان با هدف آبیاری مورد استفاده قرار می گیرد (یو اس جی اس، ۲۰۰۶). در سال ۱۹۹۶ قیمت آب ۴۵-۱۸۰ درصد افزایش یافت و در این مدت کشاورزان مکزیک نسبت به سال های قبل و برای بهبود در مدیریت آب پول بیشتری را صرف کردند (سالز و ویلسون، ۲۰۰۴).

در چین از فناوری های ذخیره آب بعنوان روشی جدید (آبیاری متناوب یک در میان و بصورت غرقابی تحت عنوان تکنیک های ذخیره آب بصورت "ان فارم" در کشت برنج) در ذخیره آب (۵/۴۸ درصد) استفاده کردند که باعث افزایش تولید از ۹/۸ درصد به ۹/۱۲ درصد گردید (ژیائوپینگ و همکاران، ۲۰۰۴). اصلاح در طراحی روش های آبیاری، به روز کردن روش های آبیاری موجود و نصب سیستم های زهکنی زیرزمینی و استفاده از آبیاری زیرزمینی کالیفرنیا برای افزایش راندمان آب و مدیریت بهتر کشاورزی انجام گرفت (هانسون و ایبارز، ۲۰۰۲). نگهداری بهینه از سیستم های آبیاری برای بهبود مدیریت کشاورزی (سواندسون و هورث، ۲۰۰۳) و افزایش راندمان مصرف آب بعنوان یک ضرورت برای مقابله با کم آبی تلقی می گردد (گال و همکاران، ۲۰۰۳؛ نانور و همکاران، ۲۰۰۸). بنابراین اصلاح مدیریت آب (که بخش اصلی در مدیریت کشاورزی است) در اراضی کشاورزی ضروری است (وانگ ژائون و گیگر، ۲۰۰۹؛ دی لانگ و همکاران، ۲۰۱۰).

ادامه از صفحه یک

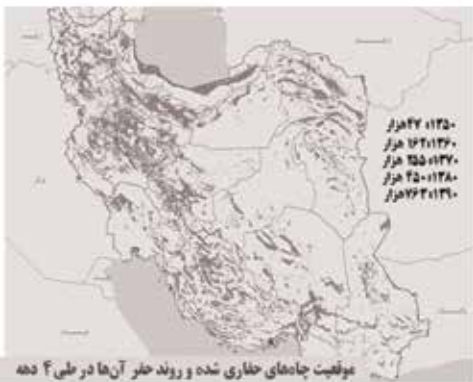
### مرثیه ای بر خاموشی تدریجی رودخانه های خوزستان

با قیمت بسیار گزاف مبادرت به استفاده از روغن حیوانی گردیدند! اینها مطالبی متأثر از مستندات غربی ها در منطقه ما است و استنباطات وخیم تری را نیز می توان از فعالیت وقت درک قطعی نمود! که به هیچ وجه قابل انجام نبود! مگر به اظهار خودشان ایجاد نفاق و تزلزل در صفوف متحد و منسجم در اجتماع مردم و حکام وقت به لطایف الحیل دادن کار، تفنگ، سکه و زر، انحصار مشاغل و تجارت و پیمانکاری های محلی برنامه ریزی شده به بومیان که حتی در همین سواحل بوشهر تا هرمزگان و سیستان و بلوچستان منطقه را عاری از چوب درختان خاص لنج سازی وقت که مرکزیت منطقه ای آن در خلیج فارس سواحل ایران قرار داشت، نمودند!

صدمه شدید و غیر قابل جبران دیگری که بر بدنه محیط زیست منطقه و بخصوص خوزستان وارد کرد! تاثیر بر حیات وحش بود! که به شدت مثلا بر زندگی شیر ایران که خوزستان و کناره های رودخانه ها و نواحی کم ارتفاع گرمسیری آن سکنا داشت گذاشت (به اظهار منابع انگلیسی) و آخرین آن تا سال ۱۳۲۰ شمسی شکار گردید و بقیه وحوش تجاری نیز به شدت کاهش یافتند!

تاثیر پنهان و مخرب تدریجی زیست محیطی دیگری که در خوزستان بوجود آمد و کمتر از آن گفته شده! کور یا پر کردن شعبات متعدد رودخانه اصلی، تالابها و یا خورهای کوچک و بزرگ دریایی استان و منطقه از شروع قرن بیستم و به دلیل پروژه های وسیع نفتی و تاسیسات جانبی و به خصوص ایجاد جاده ها و پل های دسترسی و راه آهن های محلی و سرتاسری در استان بود! که در واقع به مثابه دهلیزهای حیات زمین و خاک عمل می کردند!

تخریب مهیب دیگر محیط زیست خوزستان به تدریج از بدو صنعتی شدن ایران از دهه ۱۳۲۰ شمسی آغاز گردید! که طی آن علاوه بر آثار تخریبی ناشی از پایتخت نفت و انرژی های فسیلی کشور و منطقه به دلیل موقعیت های جغرافیایی و منابع طبیعی به مرکزیت تولید انرژی «برقآبی» و آب کشور و همچنین طرح های ویرانگر و زنجیره ای موسوم به «کشت و صنعت نیشکر» و سپس مرکزیت صنایع فولاد کشور و با ایجاد «سازماندهی ملی خاص دولتی در سطح مدیران گوش به فرمان مطاع ...» مبدل گردید! که هر کدام به تدریج عوارض مهلکی را بر محیط زیست طبیعی شکننده و دستکاری شده



شکل (۱) موقعیت چاه های حفاری شده در طی ۴ دهه

در سال ۲۰۰۵ میلادی چین، هند و ایران رتبه های اول تا سوم برداشت بیش از حد منابع زیرزمینی آب را داشته اند. بر اساس آمار اعلام شده از سوی شرکت مدیریت منابع آب ایران میزان برداشت از چاههای غیر مجاز سه میلیارد و چهارصد میلیون متر مکعب بوده، که موجب خالی شدن سفره های آب زیرزمینی و بیلان منفی در دشت های بزرگ کشور شدهاست. از سویی، متوازن نبودن تغذیه و برداشت و خشکسالی های پی در پی فشار زیادی را بر مخزن ها وارد کرده و موجب پایینی رفتن سطح ایستابی سفره های زیرزمینی و فرونشست دشتهای منطقه شده است (بینام، ۱۳۹۳).

بخش کشاورزی با ۹۲ درصد بزرگترین و مهمترین مصرف کننده آب در کشور به شمار می رود. بیش از ۸۰ درصد اتلاف منابع آب به دلیل عدم استفاده از تکنولوژی های پیشرفته آبیاری در این بخش به هدر می رود. تعدادی از کارشناسان معتقدند که مدیریت منابع آب کشور در شرایط فعلی مدیریت مناسبی نیست و موجب شده تا طی سالهای اخیر شاهد کاهش منابع آب های زیرزمینی و نیز کاهش سطح زیرکشت کشاورزی در برخی مناطق باشیم. استان فارس بعنوان یکی از مهمترین قطب های کشاورزی در کشور محسوب می شود و سهم ۱۰ درصد

آبزیان جانوری و گیاهی را در قالب مصارف ضروری و حیاتی دستخوش نوسان، کاهش و غالبا بعد بیش از ۵۰ سال از عمر آنها یکلا محروم و نابودی حیات انسانی، آوارگی مردم و محو حیات جانوری و ..... بطور قطعی شده است! که متاسفانه نظام مدیریت سدها یعنی وزارت نیرو، به جای مدیریت جامع و متولی گری ملی! صرفا به فکر تولید برق-آبی بوده! و لزوما اثرات تنگناهای ناشی کاهش باران و برف طبیعی را به اهالی چند میلیونی پائین دست تحمیل کرده و صدای عوارض و مشکلات را هم به طرق مختلف مدیریت و پیوسته به لحاظ آب و نان دار بودن عظیم سرمایه گذاری هر سد! با ساخت سدهای بیشتر کوبیده می شود!

در حالی که در بسیاری از کشورهای پیشرفته با قطعی به عوارض سدها! بر محیط زیست پائین دست رودها، پدیده های برچیدن سدهای بزرگ و همچنین آزادکردن مجدد جریان طبیعی رودخانه ها مبادرت کرده اند! این عوارض عبارتند از کاهش خصوصیات فیزیکی و بیولوژیکی رودخانه ها در قالب کم و کیف آب یعنی افزایش تدریجی شوری آب رودخانه، بد بو شدن آن، بیماری زا شدن، غیرقابل شرب شدن طبیعی آب برای حیوانات و یا آلودگیهای میکروبی و غیره که طی ۵۰ سال اثرات و عوارض منفی ساخت سدها و پروژه انتقال آب سرشاخه های کارون و دز و ... به نواحی مختلف استانهای کویری اصفهان، یزد، قم و کرمان در آینده نزدیک، که همه در حوزه آبی کاملا متفاوتی از حوزه خلیج فارس قرار دارند (یعنی حوزه مرکزی و مرداب گاوخونی و ...)، پدید آمده بیش ۵ برابر دبی متوسط سالانه یا عبور یا آورد آب رودخانه های منتهی به خوزستان را کاهش و موجبات آثار تبعی دیگر یعنی خشک و پودر و پوک شدن خاک حاصلخیز جلگه خوزستان که به صورت مختلف بوسیله رودخانه ها مستقیما و سالانه مشروب و با سیلابهای گهگاهی مرطوب و خیس می شد، گردیده، و سیستم مدیریت آب و رودخانه کشور یعنی وزارت نیرو از آن غافل بوده تا از ده سال قبل یکباره پدیده شوم «ریزگردها»های ظهور و امان از زندگی غرب و جنوب غرب کشور بیرون آورده است.

وجود هورالعظیم در غرب و تالاب شادگان در شرق آن با ابعاد عظیم مساحتی که دارند در استان خوزستان، علاوه بر استفاده های اقتصادی معمول! عامل اصلی ایجاد تعادل هوا و جریان طبیعی هوا در خوزستان و جنوب غرب و با توجه به جریان غربی شرقی شمالی وزش باد و بارش برای کل کشور است! که متاسفانه در اثر عوارض ناشی از سدسازی ها و پروژه های انتقال آب به تدریج رو به خشکی نهاد و نه تنها ریزگردها ایجاد شد! بلکه حرطت هوای منطقه را هم حذف و نتیجتا خشکی و افزایش دما را باعث و پدیده ریزگردها را



شکل (۲) عملکرد طرح توسعه سامانه های نوین آبیاری در طی سال های ۱۳۶۹ لغایت ۱۳۹۵

این تصور معمولاً وجود داشته است که افزایش میزان راندمان آبیاری از طریق به کارگیری فناوریهای جدیدی مانند آبیاری قطره ای، به صرفه جویی قابل توجه در مصرف آب منجر میشود و این میزان آب صرفه جویی شده به محیط بازگشته یا به مصارف دیگر میرسد. اما شواهد حاصل از تحقیقات و سنجش های میدانی نشان می دهند که چنین نیست. ممکن است در مقیاس محلی و در واحد مزرعه، مزایای انجام این کار بسیار بالا به نظر برسد، اما اگر میزان کل مصرف آب را در مقیاس زیرزمین به درستی محاسبه کنیم، درمی یابیم که در این شیوه میزان مصرف آب به جای آنکه کاهش یابد، افزایش پیدا میکند. امکان بالقوه افزایش میزان بهره وری آب (محصول بیشتر به ازای هر قطره آب) نیز در مورد اکثر انواع محصولات کشاورزی ناچیز است (کریس پری و همکاران، ۲۰۱۷).

شکل (۲) عملکرد طرح توسعه سامانه های نوین آبیاری در طی سال های ۱۳۶۹ لغایت ۱۳۹۵

تشدید و زندگی مدرن شهر و روستایی را با شرایط اقلیمی سخت تاریخی به مراتب سخت تر نمود! سدها مقدار عظیمی آب را در پشت مخازن خود و در وسعت عظیمی دیو می کنند! که دارای سطح مقطع وسیعی است و نتیجتا تخییر حجم زیادی از آب موجود حبس شده که به پائین دست هم نمی رسد! تخییر و به هوا می رود که اندازه اش برابر کل مصرف آب شرب کشور است! از طرف دیگر امروزه ثابت شده حبس آب در پشت سدها، تولید گاز متان کرده که تاثیر منفی روی اتمسفر و ... می گذارد.

نقش را در تخریب لایه اوزون و تغییرات شدید آب و هوایی ایفا می کنند گاز کرنتیک، متان، اکسید نیتروژن و کلروفلورکربن ها CFC از جمله گازهای گلخانه ای شمرده می شوند؛ که انتشار بالای گازهای گلخانه ای، بیشترین نقش را در تخریب لایه اوزون و تغییرات شدید آب و هوایی ایفا می کنند.

یکی از عوارض بدیهی دو پروژه سدسازی ها و انتقال آب سرشاخه ها، شور شدن چند صد در صد آب شرب شهرهای اهواز و بخصوص شهرهای خرمشهر و آبادان است که قبل از جنگ تحمیلی مردم مستقیما آب رودخانه را در لوله دریافت و مصرف می کردند؛ در حالی که ده ها سال است که آب مصرفی آنها فقط از طریق آب تصفیه کن های خانگی تبدیل و مصرف می شود! چرا؟ چرا صدها هزار نخل در جزیره آب و شادگان فقط طی ده سال گذشته سوخته؟ چون تعادل و حد آب شیرین کارون به علت پروژه های انتقال آب به کویر کاهش و جنوب غرب کشور بیرون آورده شده و کشاورزی و نخیلات دیگر تاب نمی آورند!

معضل ملی سد گوندند نیز بدست فراموشی سپرده شده! خاک زرخیز جلگه را به علت افزایش شدید شوری آب کارون آرام آرام پوک و غیر قابل استفاده می شود!

ضمن کلیه پروژه کشت و صنعت انجام شده نه تنها اقتصادی نیست و تمام محصولات آنها را وارد میکنند! بلکه رویه کاشت و برداشت نیشکر کاملا سنتی و با تکنولوژی ۵۰ سال گذشته بوده و صد در صد محیط زیست خاک و هوا برای خوزستانی ها با ده ها عارضه اثبات شده تنفسی شده!

عارضه سدها و پروژه های انتقال آب به انضمام بیش از ۵۰ پل رودخانه ای روی کارون باعث حذف کشتیرانی از کارون به عنوان تنها رودخانه بین المللی قابل کشتیرانی کشور با سابقه هزاران ساله شده است! که هیچ کشور هوشمندای این کار را به خاطر مزیتهای بلاشک شیوه حمل آبی نسبت به جاده ای و راه آهن نکرده و نمی کند! و علت آن کاهش عمق و عرض رودخانه و موانع پل ها در طول پنجاه سال گذشته و تشدید موضوع طی دوره بعد انقلاب می باشد.